

عبدالله مهتدی و تأکید بر مواضع ناسیونالیستی و استراتژی امریکایی

این نوشته سعی دارد تا تفاوت بنیادی انشعاییون از کومه له و چپ و کمونیسم را از آغاز انشعاب تا به امروز بر متن شرایط سیاسی و اجتماعی حاضر و زمینهای موجود مبارزه را کوتاه و مختصراً توضیح و شفاف سازد.

گاهی اوقات پیشامد مسائل گوناگون، اختلاف نظر، بحث و جدل، در میان افراد، گروه، احزاب، دولت ها و غیره پیش می آید که ساعتها و روزها، ماهها و سالها به طول می انجامد بدون اینکه طرفین به توافق برسند یا اینکه نتیجه ای حاصل شود، در این میان هر دو طرف خود را بر حق و حقانیت را از آن خود میدانند، در این حال فقط گذشت زمان و تاریخ میتواند واقعیت و درستی را محک بزند و به دید عموم بگذارد، آنگاه انسانها خود میتوانند ببینند و منصفانه قضاوت بکنند.

همگان مطلعند که پنج سال پیش تعداد قلیلی از کومه له انشعاب کردند، آن روزها برای همه ما جای تأسف و ناباوری بود، ولی باز هم خلاف خواست ماها این اتفاق افتاد، کسانی که تا آن روز جهنم پر از فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری سرمایه داری را نقد و تحلیل میکردند و دورانی از مبارزه سیاسی خود را در سنگر کومه له و سوسیالیسم برای پایان دادن به این معضلات جهانی سپری کردند چه چیزی باعث شد که از کومه له بگریزند و این سنگر را خالی کنند؟ رفقای دیرین خود را که مبارزترین، انقلابی ترین، شریفترین، صادق ترین انسانها بودند در به انجام رساندن این امر مبرم و کمونیستی تنها بگذارند؟ تشکیلات کومه له آن روزها تمام ابزارهای لازم را برای جلوگیری از وقوع این انشعاب تحمیلی بکار گرفت ولی نتیجه ای نگرفت، معلوم بود که این تعداد پروژه از پیش برنامه ریزی شده ای را به انجام میرسانند.

از همان اوایل کومه له جوانب مختلف نظری و پیشنهادات این تعداد را که کاملاً ناسیونالیستی و خلاف سنتهای یک تشکیلات چپ و کمونیستی بود بیان کرد و در نشریات و تریبونهای دیگر تشکیلات به شیوه داخلی و خارجی به دید عموم گذاشت، کومه له آن روزها با صراحت اعلام کرد که این انشعاب کاملاً از مواضع ناسیونالیستی و گریختن از سوسیالیسم و کمونیسم است، کومه له آن روزها خوشباوری و فریب خوردن آن عده را به شعار خام گفتگوی تمدنهای خاتمی و اصلاح طلبان درون رژیم را به نقد کشید، اما باز هم عده ای گمان داشتند و با این حال هم امید بود که کماکان چپ بمانند و از مبارزه چندین ساله شان و

کاملاً خلاف خواست و منفعت مردم کارگر و زحمتکش، زنان، جوانان، و تمام اقشار مردم ایران است، ایشان آنچنان در دنیایی تخیلات و روئیا برای رسیدن به قدرت همچون احزاب کردی در کردستان عراق دست و پا میزنند که به میلیونها انسان آزادیخواه و کمونیست و احزاب و گروهها در سراسر جهان نصیحت میکند که اینبار سعی نکنند دچار اشتباه نشوند و اشتباه قبلی را که در مخالفت با حمله نظامی به عراق مرتکب شدند تکرار نکنند، عبدالله مهتدی و حزیش در این کار هم رسالت و افتخار بزرگی را دارا شدند که از سلطنت طلبان و مجاهدین تا جمهوری خواهان و حزب دمکرات و اکثریتها و جنبش رفاندوم جلوتر رفتند، این سیاستها و راهکارها حلقه ای از زنجیره برنامه های آن سازمان از آغاز تا به امروز بوده است، آیا این سازمان با همچنین رهبر و مواضع و استراتژی لایق حیات سیاسی است ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

امید پویا ۱۳،۲،۲۰۰۶